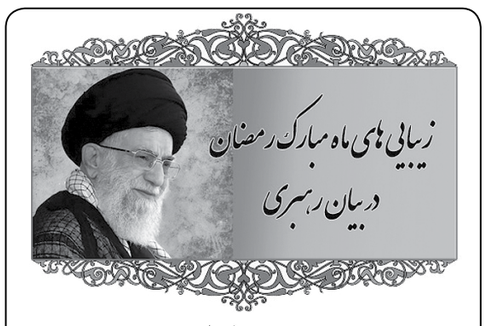

عید فطر
روز دریافت پاداش ماه رمضان

عید سعید فطر روزی بزرگ، پس از روزها و شبهایی بسیار با عظمت است. امیرالمؤمنین(ع) در یکی از خطبه‌های روز عید فطر چنین فرمود: ایها النّاس! ان یومکم، هذا یوم مثاب فیه المحسنون؛ (تنبیه الخواطر: ج ۲ ص ۱۵۷) ای مردم! امروز روزی است که در آن نیکوکاران پاداش و اجر خود را از خدای متعال می‌گیرند؛ اجر روزه، اجر عبادات ماه رمضان، اجر امساکها و جلوگیریها از هوای نفس. و یخسر فیه المبطلون؛ و کسانی که حرکت و عمل نادرست داشته‌اند، در چنین روزی، خسارت بدکارگی خود را خواهند یافت. امروز، روز جزاست.

و هو اشبه یوم بیوم قیامکم؛ امروز، شبیه روز قیامت است. فاذکروا بخروجکم من منازلکم الی مصلّاکم، خروجکم من الاجداث الی ربّکم؛ از خانه که به طرف مصلّای نماز عید فطر خارج می‌شوید، به یاد بیاورید هنگامی را که از قبرهای خود در روز قیامت خارج می‌شوید تا به طرف میدان عظیم قیامت و محلّ ثواب و عقاب الهی روانه گردید. واذکروا بوقوفکم فی مصلّاکم وقوفکم، بین یدی ربّکم؛ در مصلّا که برای نماز می‌ایستید، به یاد بیاورید هنگامی را که در قیامت، در پیشگاه پروردگار ایستاده‌اید و برای حساب و کتاب آماده می‌شوید. واذکروا برجوعکم الی منازلکم، رجوعکم الی منازلکم فی الجنّة؛ از مصلّا که به خانه‌های خود برمی‌گردید، به یاد بیاورید وقتی را که از عرصه قیامت به سوی منازل بهشتی خود روانه می‌شوید تا در آنها سکنا گزینید.

مبادا خیال کنید و با خود بگویید که «ما گناه کنیم تا در ماه رمضان دیگر، آمرزیده شویم!» هیچ‌کس نمی‌داند که تا ماه رمضان دیگر زنده خواهد ماند یا نه. به‌علاوه، گناهی که از روی تجرّی و تعمّد انجام گیرد، دل انسان را سیاه و تاریک می‌کند. از چنین انسانی، دیگر عبادت خالصانه، به آسانی سر نمی‌زند؛ تا گناه وی به خاطر آن عبادت آمرزیده شود.

بعد فرمود: ای بندگان خدا! انّ ادنی ما للصّائمین و الصّائمات ان ینادیهم ملک فی آخر یوم من شهر رمضان ابشروا عبادالله فقد غفرلکم ما سلف من ذنوبکم؛ کمترین پاداشی که خدای متعال برای مردان و زنان روزه‌دار در مثل امروز یا در مثل روز آخر ماه رمضان عطا خواهد کرد، این است که فرشته‌ای در آخرین روز ماه رمضان آنها را مخاطب قرار دهد و گوید: بشارت بر شما باد ای بندگان خدا!؛ گناهان شما آمرزیده شد.

این، پاداش ماه رمضان است. به یک روزه درست، یک عمل پر مغز و یک عبادت خالصانه و مخلصانه، در آخرین دقایق ماه رمضان و آخرین ساعات آن ماه عزیز، این‌گونه پاداش داده می‌شود: فقد غفر لکم ما سلف من ذنوبکم. آمرزش گناهان گذشته، پاداش کمی نیست! فانظروا کیف تکونون فی ما تستأنفون؛ ببینید از امروز که می‌خواهید روزی نو را شروع کنید، چگونه شروع خواهید کرد. مبادا خیال کنید و با خود بگویید که «ما گناه کنیم، تا در ماه رمضان دیگر، آمرزیده شویم!» هیچ کس نمی‌داند که تا ماه رمضان دیگر زنده خواهد ماند یا نه. سال گذشته، در همین نماز عید و در همین مصلّی، کسانی حضور داشتند که امسال نیستند.

سال آینده هم معلوم نیست کدام از ما باشیم و کدام نباشیم. به علاوه، گناهی که از روی تجرّی و تعمّد انجام گیرد، دل انسان را سیاه و تاریک می‌کند. از چنین انسانی، دیگر عبادت خالصانه، به آسانی سر نمی‌زند؛ تا گناه وی به خاطر آن عبادت آمرزیده شود. سعی کنید و سعی کنیم که از گناهان اجتناب نماییم و عمل صالح انجام دهیم. این است خصوصیّتی که یک انسان را سعادتمند می‌کند.

* بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر - ۱۳۷۲/۱۲/۲۲

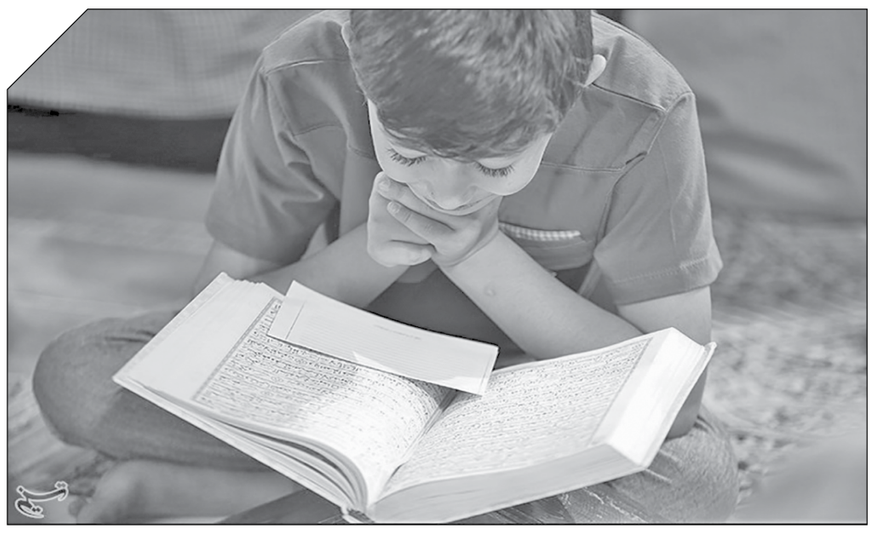

قرائت قرآن و آثار آن

نرگس دوست‌محمدی

قرائت قرآن، یکی از اموری است که خدا در قرآن بر آن تاکید و اهتمام فراوان دارد تا جایی که به‌صراحت در آیه ۲۰ سوره مزمّل می‌فرماید: فاقروا ما تیسّر من القرآن؛ تا آن‌جا که ممکن است قرآن بخوانید.

البته در برخی از زمان‌ها و مکان‌ها چون ماه رمضان، سحرها و مساجد، قرائت قرآن مورد تاکید بیشتری است؛ اما از آیات قرآن به دست می‌آید که انسان هر جا و هر زمانی که توانست به قرائت قرآن بپردازد؛ زیرا انس با قرآن و قرائت و ترتیل آن نه تنها انسان را با آموزه‌های وحیانی و معارف آن آشنا می‌کند و فلسفه و سبک زندگی اسلامی - قرآنی را به انسان می‌آموزد، بلکه حتی نفس خواندن قرآن خود دارای برکات و آثاری است که در این مطلب نویسنده به پاره‌ای از آنها پرداخته است.

***

قرائت قرآن در نماز

یکی از مهم‌ترین واجبات اسلامی نماز است که به عنوان اولین و خالص‌ترین عبادت روزانه مطرح می‌شود و هر مسلمانی در پنج زمان به میقات خدا می‌رود و اگر به مستحبات روزانه بخواهد عمل کند، دست کم باید پنجاه و یک رکعت را اقامه کند و اگر برخی از نمازهای مستحبی را نیز اضافه کنیم، شاید فراتر از این رکعات باشد.

به هنگام اقامه نمازها در مواقیت آن، مومنان با خواندن قرآن در نماز به ملاقات ومیقات خدا می‌روند. این‌گونه است که در این میقات همان طوری که حضرت موسی(ع) کلیم الله شد، مومنان کلیم الله می‌شوند و خدا با ایشان و مومنان با خدا سخن می‌گویند؛ زیرا در نماز مجموعه‌ای از اذکار و ادعیه و آیات قرار دارد که نوعی تکلم دو سویه را موجب می‌شود.

قرائت سوره حمد و در کنار آن خواندن سوره‌ای دیگر در رکعات اول ودوم نماز واجب است. این بدان معناست که نمازبا قرائت قرآن حقیقت می‌یابد و بدون آن، نماز، بی‌معناست.

از نظر آموزه‌های قرآن، در نماز شب هر چند که حکم مخصوص پیامبر(ص) است که باید برای تهجد شبانه، دو سوم یا نصف یا یک سوم قیام داشته و نماز شب بخواند؛ در همان آیات قرآن بیان می‌شود که کسانی که «همراه پیامبر هستند، ایشان را اسوه حسنه خویش قرار می‌دهند و برای اقامه نماز و قرائت قرآن، بیداری و تهجد شبانه را بر خویش تکلیف می‌کنند(مزمل، آیه ۲۰)؛ زیرا آنان می‌دانند که دستیابی به «مقام محمود» که قابل ستایش همگان از دوست و دشمن و جن و انس بلکه حتی فرشتگان است، تنها با نماز شب و تهجد شبانه و قرائت قرآن امکان‌پذیر است. خدا در قرآن به‌صراحت در بیان ارزش و اهمیت نماز شب و قرائت قرآن در هنگامه فجر می‌فرماید: اقم الصلاه لدلوک الشمس الی غسق اللیل و قرآن الفجر، ان قرآن الفجر کان مشهودا؛ نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب [= نیمه شب] برپا دار؛ و همچنین قرآن فجر [= نماز صبح] را؛ چرا که قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است! (اسراء، آیه ۷۸)

در این آیه به‌صراحت از نماز صبح به «قرآن الفجر» یاد شده است تا نشان دهد که اصولا نماز جز با قرآن معنا نمی‌یابد. البته با آنکه در همه نمازها قرآن به عنوان رکن اصلی مطرح است و گفته شده «لا صلاه الا بالفاتحه؛ نماز بدون سوره حمد، نماز نیست»، اما نماز صبح که نماز فجر صادق است، از جایگاه خاصی برخوردار است؛ زیرا هنگامه فجر زمان آمد و شد فرشتگان از زمین به آسمان و از آسمان به زمین است؛در این هنگامه آنها جابه‌جا می‌شوند و عروج و نزول دارند. بنابراین، دو دسته از فرشتگان شب و روز این نماز صبح و قرائت قرآن را مشاهده کرده و به ثبت می‌رسانند و آثار آن برای شخص نمازگزار صبح، بسیار روشن‌تر از هر زمان دیگری است؛ زیرا در این زمان روزی روزانه از تقدیر به قضا می‌رسد و حکم،قطعی می‌شود و نمازگزار بیدار در آن زمان،چون با قرآن و نماز سر و کار دارد، بیشترین بهره را از هر گونه قسمت روزی خویش می‌برد که خدا برایش مقدر کرده است؛ خواه روزی مادی باشد و خواه روزی معنوی.

اصولا هر گاه شیطان وسوسه‌ای می‌کند و می‌خواهد در دل انسان نفوذ کند و گمراهی به دل وارد سازد، انسان می‌تواند با استعاذه و قرائت قرآن خود را از شرور شیطانی در امان نگه داشته و به دژ استوار الهی در آورد.

برخی آثار قرائت قرآن

ذکر الهی

خواندن قرآن افزون بر فهم و معرفت آموزه‌های دستوری و معارفی قرآن دارای آثار بسیاری است؛ زیرا قرآن به عنوان «الذکر» مطرح است و شکی نیست که ذکر در این‌جا می‌تواند «ذکرالله» نیز باشد؛ پس کسی که قرآن می‌خواند متذکر به خدا و دائم در یاد خدا است؛ لذا در این شرایط از شرور خلق و دشمنان شیطانی در امان خواهد بود. افزون بر آن چنین شخصی به سبب تذکر دارای بصیرتی است که اجازه نمی‌دهد تا شیطان به او نزدیک شود. خدا می‌فرماید: براستی کسانی که تقوای الهی پیشه گرفته‌اند هرگاه گروهی از طواف کنندگان شیطانی آنها را مس کنند به تذکر می‌افتند و در این هنگام دارای بصیرت می‌شوند.(اعراف، آیه ۲۰۱) لذا کسانی که قرآن می‌خوانند متذکر به ذکر الله هستند و به نوعی بصیرت می‌رسند؛ زیرا اگر هنگام مس شیطان، شخص با تذکر به ذکر الله به بصیرت می‌رسد، در غیر این حالت نیز برای قرائت قرآن و تذکر به ذکر الله باید اثر بصیرت را پذیرفت؛ زیرا قرآن اصولا بصیرت بخش است؛ از همین رو می‌توان به خود کتاب الله، بصائر را اطلاق کرد که موجب بصیرت است و همانند معجزه الهی دل‌های مومنان را بینا می‌کند تا جایی که شیطان را می‌توانند بشناسند و هرگز در دام فتنه شیطانی نیفتند؛ زیرا در این حالت محکمات الهی برایشان روشن است و متشابهات را به محکمات ارجاع می‌دهند و با چنین بصیرتی هرگز در دام متشابهات و فتنه آن نمی‌افتند.(آل عمران، آیه ۷)

دژ استوار

قرآن به عنوان دژ استوار الهی عمل می‌کند و هر کسی بدان وارد شود در پناهگاهی ایمن وارد شده و از شرور خلق در امان می‌ماند؛ زیرا از نظر قرآن خلق دارای شروری است که بسیاری از آنها برای ما ناشناخته است و ما نمی‌دانیم چگونه و چه زمانی از سوی آن شرور در اذیت و آزار قرار می‌گیریم؛ بنابراین، وقتی قرآن می‌خوانیم با «استعاذه» به خدا، در پناه قرآن و دژ استوار آن وارد می‌شویم و این‌گونه خود را شرور گوناگون در امان نگه می‌داریم. اینکه خدا در سوره فلق و ناس از استعاذه به خدا سخن گفته، با خود قرائت قرآن عجین شده است؛ زیرا خدا در قرآن فرمان می دهد: فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم انه لیس له سلطان علی الذین آمنوا و علی ربهم یتوکلون؛ هنگامی که قرآن می‌خوانی، از شرّ شیطان مطرود، به خدا پناه بر! چرا که او، بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکّل می‌کنند، تسلّطی ندارد. (نحل، آیات ۹۸ و ۹۹)

پس با استعاذه به خدا در هنگام قرائت قرآن انسان در دژاستوار الهی وارد می‌شود و از سلطه شیطان در امان می‌ماند و شیطان کاری نمی‌تواند نسبت به این دست از مومنان قاری قرآن بکند.

اصولا هر گاه شیطان وسوسه‌ای می‌کند و می‌خواهد در دل انسان نفوذ کند و گمراهی به دل وارد سازد، انسان می‌تواند با استعاذه و قرائت قرآن خود را از شرور شیطانی در امان نگه داشته و به دژ استوار الهی در آورد.(فصلت، آیه ۳۶؛ اعراف، آیه ۲۰۰)

شفای دردها

براساس آیات وحیانی، قرآن خود «شفاء» و درمان انواع بیماری‌های جسمی و روانی است و کسی که قرائت قرآن می‌کند، با آیات قرآن شفا می‌یابد؛ زیرا خدا به صراحت می‌فرماید: و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمومنین و لایزید الظالمین الا خسارا؛ و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم؛ و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید.(اسراء، آیه ۸۲)

ثقلین یعنی قرآن و عترت(ع)، حبل الله (آل عمران، آیات ۱۰۳؛ و روایات تفسیری) و عروه الوثقی(بقره، آیه ۲۵۶؛ لقمان، آیه ۲۲؛ و روایات تفسیری) است. پس هر کسی که به آنها تمسک جوید، خود را به سوی خدا بالا می‌کشد و در عصمت الهی قرار می‌گیرد تا جایی که دشمن درونی و بیرونی هرگز بر او مسلط نمی‌شود. این ریسمان الهی که تار آن قرآن و پود آن عترت(ع) است، یک طرف آن در دست خدا و طرف دیگرش در دست خلق قرار داده شده تا با آن خود را بالا کشند واز هر گونه تفرقه و گمراهی در امان مانند؛ چنان‌که خدا و رسولش در آیات و روایاتی چون حدیث ثقلین بر آن تاکید دارند.

از نظر قرآن رشد که همان تمسک به هدایت فطری و تشریعی وحیانی یعنی عقل فطری و نقل شرعی و اطاعت از پیامبر(ص) و اولی الامر از معصومان(ع) است، جز با تمسک به ثقلین به دست نمی‌آید(بقره، آیه ۲۵۶) و کسی که این راه را نرود و چنین نکند، جز در ضلالت نمی‌افتد و به جای حکومت الهی و ولایت الله گرفتار ولایت طاغوت می‌شود؛ در حالی که رشد در تولی به قرآن و عترت(ع) و تبری از کفر و فسق و عصیان است.(همان؛ حجرات، آیه ۷)

قرآن کتاب هدایت وحیانی و شفا و رحمت و بشارت و ذکر الهی برای مردمان و هدایت به سوی صراط مستقیم عبودیت و کمالات است. پس اگر کسی قرآن بخواند از همه این امور بهره‌مند می‌شود و به دایره متقین در می‌آید. (نحل، آیه ۸۹؛ نمل، آیه ۹۲؛ احقاف، آیات ۲۹ و ۳۰)

غفلت‌زدایی

قرائت قرآن انسان را از غفلت بیرون می‌آورد(یوسف، آیه ۳)؛ غفلت به معنای آن است که انسان چیزی مهم‌تر را به سبب چیزی مهم یا کم اهمیت ترک کند و نبیند. وقتی انسان سرگرم امور مهم یا کم اهمیت باشد، از امور مهم‌تر غافل می‌شود و این‌گونه از حرکت در مسیر اصلی باز می‌ماند و نتایج دلخواه را نمی‌گیرد؛ وقتی انسان به قرائت قرآن می‌پردازد قرآن او را به امور بسیار مهم همچون آخرت توجه دهد و غفلت زدایی می‌کند.(حجر، آیات۸۷ و ۸۸)

اصلاح رفتار

البته از همین آیات به دست می‌آید که قرائت قرآن موجب می‌شود تا انسان رفتار اجتماعی و اخلاقی خویش را اصلاح کند و روش فروتنانه در پیش گیرد. در حقیقت قرائت قرآن، فلسفه و سبک زندگی انسان را دگرگون می‌سازد.

همچنین قرائت قرآن موجب می‌شود تا انسان به آینده خوشبین شود.بشارت‌های قرآنی، او را امیدوار به آینده می‌کند واندوه و غم را از دل می‌زداید.(همان؛ اسراء، آیه ۹)

قرآن کتاب نور است و هر کسی به نور بنگرد، نورانی می‌شود و قلب او از نورانیت قرآن سرشار شده و حتی چشم ظاهر نیز نورانی می‌شود و کوری از دیدگان ظاهر نیز می‌رود. همان طوری که نوشیدن آب مایه زندگی است، قرائت قرآن نیز اثر وضعی دارد که شامل موارد پیش گفته و مواردی دیگر است که در آیات و روایات تفسیری بیان شده است. حتی غیر مومنان نیز می‌توانند از ظاهر کلمات قرآن با قرائت قرآن بهره مند شوند، زیرا این آثار وضعی برای قرائت قرآن است و آیات قرآن خواه و ناخواه در افراد آثاری به جا می‌گذارد.

نماز شب هر چند که حکم مخصوص پیامبر(ص) است که باید برای تهجد شبانه، دو سوم یا نصف یا یک سوم قیام داشته و نماز شب بخواند؛ اما کسانی که همراه پیامبر هستند ایشان را اسوه حسنه خویش قرار می‌دهند و برای اقامه نماز و قرائت قرآن، بیداری و تهجد شبانه را بر خویش تکلیف می‌کنند؛ زیرا آنان می‌دانند که دستیابی به «مقام محمود» که قابل ستایش همگان از دوست و دشمن و جن و انس بلکه حتی فرشتگان است، تنها با نماز شب و تهجد شبانه و قرائت قرآن امکان‌پذیر است.

امام خمینی درباره اهمیت خواندن قرآن خطاب به فرزندش می‌فرماید: فرزندم! با قرآن این بزرگ کتاب معرفت آشنا شو اگرچه با قرائت آن؛ و راهی از آن به سوی محبوب باز کن و تصوّر نکن که قرائت بدون معرفت اثری ندارد که این وسوسه شیطان است. آخر، این کتاب از طرف محبوب است برای تو و برای همه کس و نامه محبوبْ محبوب است اگرچه عاشق و محبْ مفاد آن را نداند و با این انگیزه حبّ محبوب که کمال مطلوب است به سراغت آید و شاید دستت گیرد. ما اگر در تمام لحظات عمر به شکرانه این که قرآن کتاب ما است به سجده رویم از عهده برنیامده‌ایم.(صحیفه امام خمینی، جلد ۱۶ف صفحه ۲۱۱)

نگرش علمی به آفرینش از نگاه قرآن

منصور حسینی

بر خلاف فرهنگ عمومی برخی جوامع اسلامی،فرهنگ قرآن گرایشی شدید به تبیین و تحلیل علمی رخدادها و آفریده‌ها دارد. آموزه‌های قرآن می‌کوشد تا انسان را به سوی تحلیل علمی سوق دهد و از اینکه تنها به کلیات بسنده شود باز می‌دارد.

بسیار دیده و شنیده شده است که شخص با دیدن توفانی سهمناک و یا تصادفی دهشتناک تنها به این نکته بسنده می‌کند که این رخداد خواست خدا بوده است. در حالی که قرآن تنها به این بعد آفریده‌ها و پدیده‌ها بسنده نمی‌کند و به ابعاد مختلف ایجادی آن می پردازد.

اهمیت پرداختن علمی به هستی و آفرینش و اندیشه‌ورزی در آن مورد تاکید و بررسی قرار گرفته است.

***

نسبت تحلیل پدیده‌ها با توحید

قرآن هیچ گونه تناقضی میان تحلیل و تبیین علمی آفریده‌ها و پدیده‌ها با نسبت دادن آن به خدا به عنوان علت اصلی آن نمی‌بیند، بلکه تحلیل و تبیین علمی آفریده‌ها و پدیده‌ها را یکی از بهترین روش‌هایی برمی‌شمارد که آدمی را به توحید در ابعاد توحید اسمایی و صفاتی و فعلی و عبادی می‌رساند.

اگر به آیات قرآن توجه شود معلوم می‌شود، که قرآن حتی در مسئله آفرینش انسان به کوچک‌ترین و ریزترین مباحث در این حوزه پرداخته و می‌کوشد تا به تحلیل و تبیین علمی خلقت انسان بپردازد.

پرداختن به ریزترین جزئیات به معنای آن است که قرآن بیش از آنکه بکوشد تا مستقیم مسئله توحید را به انسان بیاموزاند به شناخت دقیق و علمی توجه می‌دهد تا شخص از راه آن به درک درستی از آفریده‌ها دست یابد که نتیجه آن چیزی جز شناخت علمی و دقیق و درست از آفریدگار آن نخواهد بود. چنین شناختی چون برخاسته از علم و آگاهی قطعی است از تاثیرگذاری بیشتری برخوردار است.

از این‌رو برهان علمی در آیات قرآن به عنوان اصل اساسی در توحید معرفی شده است و مومن در صورتی به ایمان واقعی دست می‌یابد که دست از تقلید برداشته و با شناخت علمی و برهانی بتواند واقعیت‌های هستی را بشناسد و جایگاه و نقش خداوندگاری را در هستی به دست آورد و به آن باور قطعی پیدا کند.

ارزش و اهمیت توحید علمی

در آموزه‌های دینی، توحید به دست آمده از روش علمی از ارزش و اهمیت بالا برخوردار است به‌طوری که شخص مومن باید اصول دین خود را از راه اصول علمی و قطعی به دست آورد و از راه تحلیل و تبیین علمی به این واقعیت برسد که خداوند به عنوان آفریدگار و پروردگار هستی از چه جایگاهی برخوردار است.

این شناخت موجب می‌شود تا شخص بتواند در مقام عبادت و عبودیت، حق آن را به خوبی ادا نماید و در پرستش خداوندگار کوتاهی نکند.

همچنین در آموزه‌های اسلامی قرآنی این مطلب نیز تاکید شده است که هستی بر محور اسباب می چرخد و چیزی در هستی بدون اسباب تحقق بیرونی و خارجی نمی‌یابد.

از این‌رو در احادیث گفته شده است: ابَی اللّهُ أن یُجرِیَ الأشیاءَ إلاّ بِأسبابٍ؛ خداوند ابا می ورزد که امور هستی جز از راه اسباب آن جاری شود. (الکافی: ج۱ ص۱۸۳)

بنابراین نمی‌توان بدون شناخت اسباب به شناخت اصل و اساس آن رسید. در داستان آفرینش انسان خداوند می‌توانست بدون توجه به بیان علل و اسباب آن تنها به این نکته بسنده کند که وی انسان را آفریده است، بدون آنکه در مقام تبیین و تحلیل علمی آن برآید و به چگونگی شکل‌گیری و شاکله بندی و ایجاد وی بپردازد.

به این معنا که نیازی نبود که خداوند در آیات متعدد و چندی به مسائلی چون آفرینش انسان از گل و چگونگی فرآیند شکل‌گیری آن و نیز مباحث تعلیم اسما و وضعیت وی بپردازد و به نکاتی درباره چگونگی شکل‌گیری نسل وی توجه دهد و با دقت تمام از همه مراحل شکل‌گیری کودک و جنین سخن بگوید.

بیان مسائل آفریده‌ها با جزئیات ریز و درشت و تبیین و تحلیل آن از آن رو صورت گرفته است تا انسان را به اندیشه در این مسائل بکشاند و از وی بخواهد تا خود با تحلیل و تبیین علمی دیگر پدیده‌ها به راز آفرینش دست یابد.

تاکید قرآن بر اندیشه‌ورزی در خلقت

بیان مسائل آفریده‌ها با جزئیات ریز و درشت و تبیین و تحلیل آن از آن رو صورت گرفته است تا انسان را به‌اندیشه در این مسائل بکشاند و از وی بخواهد تا خود با تحلیل و تبیین علمی دیگر پدیده‌ها به راز آفرینش دست یابد.

در آیات متعددی از قرآن، خداوند کوشیده است تا انسان را تشویق کند که تحقیق و پژوهش علمی درباره آفریده‌ها و پدیده‌هایی چون شتر و آب و دریا و آسمان بپردازد. (غاشیه آیات ۱۷ تا ۲۱)

سپس ادامه می‌دهد که چگونه این پدیده گازی در یک فرآیند زمانی به شکل ستارگان و سیارات پدیدار شد.

در آیات دیگری نیز به مسئله چگونگی پدیداری زندگی در این کره خاکی اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که چگونه خداوند همه موجودات زنده را از آب آفریده است: وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ کُلّ شَیْءٍ حَیّ؛ هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم.همچنین تبیین می‌کند که چگونه آفریده‌های جهان را به شکل جفت آفریده است.

قرآن انسان را به تفکر در هستی و آفرینش می خواند.

تفکر که بر گرفته از ماده فکر است به نوعی سیر و مرور معلومات حاضر در نزد انسان، جهت دستیابی به مجهول است. (المیزان ج ۲ ص ۲۴۸)

در بینش و نگرش قرآن، تفکر و تعقل در هستی نه تنها امری پسندیده بلکه واجب و لازم است و برای آنکه انسان را به آن وادارد آن را به عنوان معیاری برای ارزش‌گذاری و کرامت انسانی قرار داده است. (انفال آیه ۲۲ و فرقان آیه ۴۴)

خداوند مردمان را به تفکر فردی و جمعی (سباء آیه ۴۶) و اندیشه در آفرینش آسمان و زمین (بقره آیه ۱۶۴) می خواند و کسانی را که از تفکر و مطالعه علمی و تبیین و تحلیل آفریده‌ها و پدیده‌های الهی (نشانه‌ها) خودداری می‌ورزند نکوهش می‌کند. (یوسف آیه ۱۰۵) بلکه عدم تفکر در آفرینش را شیوه کافران (انبیاء آیه ۳۰ تا ۳۲ و انعام آیه ۴ و یس آیه ۴۶) و تکذیب کنندگان پروردگاری خداوند بر می‌شمارد (همان)؛ زیرا کافران می‌کوشند تا با عدم تفکر دقیق و تحلیل علمی آفریده‌ها و پدیده‌ها، از پذیرش آفریدگاری و پروردگاری خداوند سر باز زنند.(همان) به هر حال در آموزه‌های قرآنی، تحلیل و تبیین علمی، نه تنها امری شایسته بلکه بایسته است و هر شخصی لازم است در آفرینش به عنوان نشانه‌ای از نشانه‌های خداوند تفکر کند.

در بینش و نگرش قرآن، تفکر و تعقل در هستی نه تنها امری پسندیده بلکه واجب و لازم است و برای آنکه انسان را به این امر وادارد آن را به عنوان معیاری جهت ارزشگذاری و کرامت انسانی قرار داده است.

خداوند مردمان را به تفکر فردی و جمعی و اندیشه در آفرینش آسمان و زمین می‌خواند و کسانی را که از تفکر و مطالعه علمی و تبیین و تحلیل آفریده‌ها و پدیده‌های الهی (نشانه‌ها) خودداری می‌ورزند نکوهش می‌کند.

ابزارهای تحلیل علمی در انسان

خداوند برای اینکه تفکر به صورت علمی برای همه افراد بشر فراهم آید، نه تنها ابزارهای آن را در انسان قرار داده است که عبارتند از حواس و قلب (انعام آیه ۲۵ و اعراف آیه ۱۷۹ و اسراء آیه ۴۶ و مانند آن) بلکه شرایط حقوقی نیز برای متفکران فراهم آورده است که با آزادی تمام در هستی و آفریده‌ها و امور مرتبط به آن تفکر کنند.

بنابراین آزادی تفکر به عنوان یک اصل در بینش و نگرش قرآنی مورد توجه و نظر بوده است. (زمر آیه ۱۷ و ۱۸ و بقره آیه ۱۷۰) قرآن به خوبی نشان می‌دهد که آیات قرآن از چگونگی پدیداری آب (انبیاء ایه ۳۰) روان شدن آن (سجده ۲۷) شکل‌گیری باران و ابر و تگرگ(نور آیه ۴۳) و منبع بودن آسمان برای آب (بقره آیه ۱۶۴) و نیز نقش آب در حیات و زندگی بشر به تفصیل سخن گفته شده است.

سخن گفتن از آفرینش آسمان و ستارگان و حفظ و نگهداری آن، گردش آن، موجودات آسمانی و دیگر ابعاد آن در قرآن (ق آیه ۶ و نوح آیه ۱۵ و آل عمران آیه ۱۹۰ و ۱۹۱) چیزی جز ترغیب و تشویق مردم به تفکر و تبیین علمی مسائل و رخدادها و پدیده‌ها نیست.

تبیین علمی رخدادهای تاریخی

در حوزه علوم انسانی تفکر و تبیین علمی رخدادهایی چون چگونگی پدید آمدن جوامع و نابودی آن به عنوان سنت‌های الهی، از دیگر مسائلی است که نشان می‌دهد که قرآن به مسئله تبیین و تحلیل علمی همه مسائل توجه دقیقی دارد و مردمان را به سوی آن می‌خواند. (انعام آیه ۶ و طه آیه ۱۲۸ و روم آیه ۹) این همه در حالی است که در فرهنگ عمومی جوامع اسلامی از تحلیل و تبیین علمی آفریده‌ها و رخدادها و پدیده‌ها خودداری می‌شود و تنها به منشایت آن از سوی خدا بسنده می‌شود و حتی گاه تحلیل و تبیین علمی را مخالف توحید برمی‌شمارند؛ امری که به‌شدت مخالف آموزه‌های توحیدی قرآن است؛ زیرا قرآن فرار از تحلیل و تبیین علمی را روش کافران می‌داند و از آن نهی کرده است.

لزوم تحلیل علمی احکام

قرآن پا را از این هم فراتر نهاده و از مردم می‌خواهد که به تحلیل و تبیین علمی احکام نیز بپردازند. به این معنا که قرآن و آموزه‌های شیعی بر این نکته تاکید می‌کنند که هیچ حکمی بدون حکمت نیست و حکم اصلی احکام در حوزه حسن و قبح اشیا جای می‌گیرد.

توجه و تاکید به مسئله علل احکام و فلسفه آن، امری در حوزه تحلیل و تبیین علمی مسائلی است که به ظاهر نباید در حوزه تحلیل و تبیین علمی قرار گیرد و به عنوان تعبد بدون چون و چرا پذیرفته شود؛ در حالی که قرآن و آموزه‌های شیعی به ما این نکته را توجه می‌دهد که هیچ حکمی بی‌حکمت نیست و باید در حد توان بشری در جست‌وجوی علل و فلسفه احکام باشیم و یا دست کم به مواردی که منابع معتبر به تحلیل و تبیین آن پرداخته رجوع کنیم و از آن آگاه شویم. نگارش کتابی در فلسفه بسیاری از احکام تعبدی شرعی از سوی شیخ صدوق به نام علل الشرایع در راستای این باور اصیل قرآنی و شیعی انجام پذیرفته است، این در حالی است که در بسیاری از مکاتب و مذاهب اسلامی از تفکر در آنها باز داشته می‌شود.

بنابراین بر ماست که با توجه به آموزه‌های اصیل و ناب قرآنی، روش خود را نسبت به هستی و آفرینش و پدیده‌های آن تغییر دهیم و به تحلیل و تبیین علمی آفریده‌ها و پدیده‌ها برای رسیدن به توحید واقعی بپردازیم.

چراغ راه

زایش علم با تضارب آراء

قال الامام علی(ع): «اضربوا بعض الرأی ببعض یتولد منه الصواب، وامخضوا الرأی مخض السقاء ینتجّ سدید الاراء».

امام علی(ع) فرمود: نظرات گوناگون را در برابر هم قرار دهید، تا آنچه صواب است به دست آید و اندیشه‌ها را همانند به هم زدن مشک برای گرفتن کره به هم زنید تا آرای صحیح و استوار حاصل آید.[1]

۱- شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۲۶۶

حکایت خوبان

تفاوت حکمرانی عادلانه اهل بیت(ع)

روزی معلی ابن خنیس به امام ششم گفت: اگر حکومت در دست شما بود، ما هم در عیش و لذت زندگی می‌کردیم! اما امام صادق(ع) به معلی فرمود: اشتباه نکن! اگر ما حکومت را به‌دست گیریم، سهم ما بیداری شب‌ها، سلب استراحت، پوشاک زبر و نان جو خواهد بود.[1]

امام علی(ع) هم در جهت اجرای عدالت به خلیفه دوم فرمود: سه چیز است که اگر از آنها حفاظت کرده، به آنها عمل کنی، تو را از غیر آنها بی‌نیاز می‌کند و اگر آنها را ترک کنی، غیر آنها سودی به تو نمی‌رساند. خلیفه پرسید: آن سه کدام است؟ حضرت فرمود: اجرای حدود بر نزدیک و بیگانه و حکم کردن به کتاب خدا در حال خشم و غضب، و تقسیم عادلانه بین سیاه و سرخ.[2]

۱- الکافی، ج ۱، ص ۴۱۰
۲- التهذیب، ج ۶، ص ۲۲۷

پرسش و پاسخ

مصداق اولی‌الامر

پرسش:

اینکه در قرآن کریم بر اطاعت از خدا و رسول و اولی‌الامر بدون هیچ‌گونه قید و شرطی تاکید شده، مصادیق اولی‌الامر چه کسانی هستند؟

پاسخ:

نگاهی به اقوال مختلف

درباره اینکه منظور از اولی‌الامر چه کسانی هستند و مصادیق عینیِ آنها مشخص شود نظرات مختلفی ارائه شده که در اینجا به اهم آنها اجمالاً می‌پردازیم.

۱- جمعی از مفسران اهل سنت معتقدند که منظور از اولی‌الامر زمامداران و حکام و مصادر در امورند، در هر زمان و در هر محیط، و هیچ‌گونه استثنایی هم برای آن قائل نشده‌اند و نتیجه آن این است که مسلمانان موظف هستند از هر حکومتی به هر شکلی پیروی کنند.

۲- بعضی دیگر از مفسران مانند نویسنده تفسیرالمنار و تفسیر فی‌ظلال القرآن و بعضی دیگر معتقدند که منظور از اولی‌الامر نمایندگان عموم طبقات، حکام و زمامداران و علما و صاحب‌منصبان در تمام شئون زندگی مردم هستند، اما نه به طور مطلق و بدون قید و شرط، بلکه اطاعت آنها مشروط به این است که برخلاف احکام و مقررات اسلام نبوده باشد.

۳- به عقیده برخی دیگر منظور از اولی‌الامر زمامداران معنوی و فکری یعنی علما و دانشمندانند، دانشمندانی که عادل باشند و به محتویات کتاب و سنت آگاهی کامل داشته باشند.

۴- بعضی دیگر از مفسران اهل تسنن معتقدند که منظور از این کلمه اولی‌الامر منحصراً خلفای چهارگانه نخست است، و غیر آنها را شامل نمی‌شود. بنابراین در اعصار دیگر اولی‌الامر وجود خارجی نخواهد داشت.

۵- بعضی دیگر از مفسران، اولی‌الامر را به معنی صحابه و یاران پیامبر(ص) می‌دانند.

۶- احتمال دیگری که در تفسیر اولی‌الامر گفته شده این است که منظور فرماندهان لشکر اسلامند.

دیدگاه شیعیان درباره مصداق اولی‌الامر

همه مفسران شیعه در این زمینه اتفاق نظر دارند که منظور از اولی‌الامر، امامان معصوم می‌باشند که رهبری مادی و معنوی جامعه اسلامی، در تمام شئون زندگی از طرف خداوند و پیامبر(ص) به آنها سپرده شده است. البته اگر کسانی که از طرف آنها به مقامی منصوب شوند و پستی را در جامعه اسلامی به عهده بگیرند، با شروط معینی اطاعت آنها لازم است و به عبارتی «اولی الامر بالتبع» محسوب می‌شوند. روزی شخصی از امام علی(ع) پرسید: یا ابالحسن نام حجت‌های خدا را برای من بگویید؟ امام علی(ع) فرمود: همانا کسانی هستند که خداوند نام آنها را همراه نام خود و نام پیامبرش ذکر کرده است. آنجا که می‌فرماید: